

- کارگران جهان متحد شوید! -

ایران پس از شهریور ۱۴۰۱

(پیروزی این جنبش هر گز چيست)

گفتگو با رهبری حزب حکمتیست (خط رسمی)

رفقا: آذر مدرسی و سهند حسینی

مکان: Kapellenstr. 9a
51103 Köln

زمان: شنبه ۱۴ ژانویه ۲۰۲۳
ساعت: ۱۷-۲۰

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (خط رسمی)

Hekmatist Official Line

تلفن تماس: محمد راستی ۰۰۴۹۱۷۶۶۲۹۷۴۷۶۸

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (خط رسمی)

hekmatist.com

حکمتیست
هفتگی
۴۴۱

۱۱ ژانویه ۲۰۲۳ - ۲۲ دیمه ۱۴۰۱

قتل های زنجیره ای برای بقاء!

اطلاعیه حزب حکمتیست (خط رسمی)

امروز دو نفر دیگر از اسرای ما به اسامی محمد مهدی کرمی و محمد حسینی در زندان جمهوری اسلامی به قتل رسیدند. زنجیره قتل ها و کشتارهای جمعی جمهوری اسلامی از دهه ی ۶۰ تا به امروز هیچگاه متوقف نشده است. زندان و کشتار یک ابزار پایه ای برای بقا و حفظ نظام مستبد بورژوازی و مذهبی جمهوری اسلامی علیه کارگران و زحمتکشان است. ابراهیم ریسی این عنصر بیکاره و مترسک دربار با شور و شغف ابلهانه ای دور خود و مزدوران نظامیش ورد می خواند که: «الحمدلله شرایط امن شده و مردم به آغوش نظام برگشتن» و تهدید میکند که، «به معاندین رحم نمی کنیم!»

اما قصاب تهران و ولی امرش خوب می فهمند که پروپاگاندا «شرایط امن شده»، حتی دل یک بسیجی و سپاهی را که دیگر هرگز نمی تواند به محله ای که در آن زندگی میکرده، برگردد، راضی نمی کند. ریسی و امثالهم باید کماکان وقتی بیرون رفتند حواسشان به عمایه هایشان باشد. تا زمانی که شبانه روز شعار مرگ بر دیکتاتور در محلات تهران و دیگر شهرهای ایران طنین انداز است، سران رژیم خواب راحت نخواهند داشت.

جنبش انقلابی برای سرنگونی در آغاز کار است. ضربات سیاسی تا کنونی جنبش، پایه های نظام فاسد مذهبی را سست و لرزان کرده، شرایطی انقلابی فراهم آورده و توازن قوا را به نفع مردم تغییر داده است. حجاب اجباری بعنوان یکی از پایه های نظام مذهبی جمهوری اسلامی به آتش کشیده شده و توسط دختران جوان و نوجوان دوقکتو حکم لغو گرفته است.

تحولات اخیر و شرایط انقلابی چنان عمیق و ریشه ای است که بازگشت به گذشته نه برای مردم و نه برای جمهوری اسلامی ممکن نیست. نه جمهوری اسلامی رژیم قبل از شهریور ۱۴۰۱ است و نه مردم همان مردم. این واقعیتی بی پرو برگرد است. جمهوری اسلامی به جنگ و تلاش خود علیه مردم برای حفظ نظام نکبت بارش ادامه می دهد. در این جنگ ادامه دار در چهار ماه اخیر، ما بیش از ۵۰۰ کشته دادیم و بالغ بر بیست هزار اسیر و گروگان در زندان های جمهوری اسلامی داریم. ... صفحه ۲

این فستیوال رنگارنگ،

زمستان سختی خواهد داشت!

بهتر است ترمزهایتان را چک کنید!

ثریا شهابی



سیر رشد و عروج آقای رضا پهلوی از حاشیه به مرکز و به جلو صحنه نمایش مبارزه با جمهوری اسلامی ایران، شگفت انگیز است. سرعت شیفت، از یک شخصیت سیاسی، «دمکرات» که در گفتار چندان تعلق شخصی به پادشاهی و پادشاه شدن نداشت، از «فرزند»ی که نمی خواست چون «پدر» دیکتاتور شود و مردم را به قول خود «چون گوسفند» بدنبال چوپان به «چراگاه» ببرد، به رهبر «کارزماتیک» بجه «حزب الهی» ها و «انجمن اسلامی»

چی های دیروز، به ستاره میدیاهای راست افراطی، رهبر امثال فرسگردی های طرفدار اعدام های سیاسی نظام پادشاهی و شیفتگان ساواک و اوین، حیرت آور است. این بی تردید از یک طرف، محصول سرعت پیشروی انقلاب سوم مردم در ایران و همزمان سرعت ریزش نیروهای «خودی» جمهوری اسلامی ایران است. حاصل خروج جمعیت وسیعی از سابقا «پاره تن» های نظام است، که تا دیروز برای جمهوری اسلامی ایران شمشیر میزدند و از برکات نظام جیب هایشان را گشادتر و پرتر میکردند، و امروز زیر پرچم شیرخورشید و «جاوید شاه» گلو میدرند و «همگان» را به شرط رعایت تمدنانه خفقان، به «اتحاد» و «همبستگی ملی» بدنبال خود دعوت میکنند! ... صفحه ۳

به یاد قربانیان یک فاجعه بزرگ انسانی

اطلاعیه حزب حکمتیست (خط رسمی)

آزادی
برابری
حکومت کارگری

به یاد قربانیان یک فاجعه بزرگ انسانی

۱۸ دیماه ۱۴۰۱ برابر با ۸ ژانویه ۲۰۲۳، سومین سالروز سقوط هوپیمای اوکراینی است که از تهران عازم کیف بود و مورد اثابت دو موشک سپاه پاسداران قرار گرفت و ۱۷۶ نفر جانشان را از دست دادند.

جمهوری اسلامی تا امروز هم از ارائه اطلاعات دقیق در مورد این فاجعه بزرگ انسانی سر باز زده است و هر بار با توجیهاتی و اطلاعات متناقض تلاش کرده است شانه خود را از زیر بار مسئولیت آن خالی کند. فاجعه ای که جان ۱۷۶ انسان بی تقصیر و بی خبر از سرنوشتی که در انتظارشان بود را گرفت و مردم آزادیخواه در ایران و جهانیان را داغدار کرد.

مردم در ایران بدرست انگشت اشاره به طرف جمهوری اسلامی نشانه گرفته اند و تردیدی در آن نیست که مسئولیت این فاجعه بزرگ انسانی حکومت حاکم بر ایران است. از آن روز تا اکنون خانواده و بستگان این قربانیان در تلاش روشن کردن دلایل این واقعه و به دادگاه کشاندن پرونده و مجازات عاملین آن هستند. متأسفانه در دنیای پر از توحش کنونی با دولتهای مختلف بورژوازی، هیچ منبع مستقل قضایی که دور از محاسبات و بده بستانهای سیاسی، به اینگونه فاجعه ها رسیدگی و مسئولین مستقیم این فاجعه را در دادگاهی بی طرف و علنی و باز محاکمه کند موجود نیست.

اکنون چهار ماه است جامعه ایران به میدان کشمکش و جدال مردم آزادیخواه و خصوصاً نسل جوان با جمهوری اسلامی تبدیل شده است. طبقه کارگر و اقشار محروم جامعه وارد جنگ سرنوشت سازی شده اند و مصمم به سرنگونی جمهوری اسلامی هستند. جنبش انقلابی در جریان تا اکنون دستاوردهای بزرگی داشته است و توازن قوای جامعه را به نفع خود عوض کرده است. جمهوری اسلامی باید برود و سایه شوم خود را از سر جامعه کم کند.

قربانیان سقوط هوپیمای اوکراینی یک مورد فاجعه بار از هزاران فاجعه و جنایت است که در حاکمیت جمهوری اسلامی افتاده است. میلیونها انسان در این جامعه عزیزانشان توسط این حکومت، زیر شکنجه، در میدانهای اعدام، به صورت سنگسار، با ترور و سر به نیست کردن جان باخته اند. اندوه از دست دادن صدها هزار انسان که هر کدام به صورتی جانشان گرفته شده است، به این زودی ها و تا این حکومت باقی است، ماندگار است. روزی که جمهوری اسلامی سرنگون شوند و همه پرونده کشتار و جنایت آن برملا و علنی شود، آنروز جهانیان بر این همه توحش و بربریت انگشت به دهان خواهند شد. آنروز مردم آزادیخواه ایران بر مزار عزیزان خود، سرنگونی جمهوری اسلامی را با پایکوبی و رقص جشن خواهند گرفت و یاد همه جانبختگان خود را گرامی خواهند داشت.

حزب حکمتیست (خط رسمی)
۱۷ دیماه ۱۴۰۱ - ۷ ژانویه ۲۰۲۳

کارگران کمونیست!

حزب ما، سنگر اتحاد و

تشکل حزبی شما است.

حزب را از آن خود کنید!

اما این معیار برتری نظامی جمهوری اسلامی بر مردم نیست. رژیم تا دندان مسلح با ده ها نهاد نظامی و پلیسی و تروریستی به جنگ جوانان و نوجوانان و کودکان دبستانی با دستان خالی، آمده است. در این جنگ نظامی نابرابر، اکنون با بیشرمی و قیحانه ای، با شمارش و برخ کشیدن کشته ها و اسرای مان، اعلام پیروزی می کند! رئیس حکومتی که پیروزی نظامی حاکمیتش بر مردم با دستان خالی را اعلام می کند! همین کافی است تا بطلان این حاکمیت ننگین و رسوایی و عدم مشروعیتش را به جهانیان هم نشان دهد.

جنبش انقلابی مردم ایران در جنگ نابرابر با حاکمیت متکی بر تفنگ و شکنجه و تهدید و ترور و کشتار، تا کنون برنده است. جامعه حاکمیت را نفی کرده است. اکنون زندان، ترور، تهدید به قتل و اعدام و گروگان هایی که از مردم گرفته شده، تنها نشان سلطه ی جمهوری اسلامی بر جامعه هشتاد میلیونی مردم است. هیچ خودفریبی و بی شرم و حیایی زایدالوصفی این واقعیت را نمی پوشاند. حکومتی که پیروزیش بر مردم را با معیار تفنگ و قتل و گروگانگیری اعلام کند، حکومت نیست. یک باند سیاه تبهکار است که برای دزدی و سرمایه های اندوخته از قبل گرسنگی مردم و برای حفظ سلطه ی خود بر جامعه از هیچ جنایتی فروگذار نیست.

جنبش انقلابی برای سرنگونی آغاز پایان سلطه جهنمی جمهوری اسلامی را اعلام کرده است. جنبش انقلابی کارگران و زحمتکشان و همه ی محرومان و ستمدیدگان جامعه، انتقام تک تک فرزندان به قتل رسیده خود را با سرنگونی نظام تبهکار جمهوری اسلامی خواهد گرفت.

امروز یکی از اولویت های فوری جنبش انقلابی، مبارزه علیه فرمان های قتل و اعدام انقلابیون و مبارزه برای آزادی گروگان ها و اسرای ما در دستان خونین حکام دین و سرمایه است. خانواده و بستگان اسرای در بند و تهدید شدگان به قتل، تنها نیستند. محافظت از فرزندان و نیروهای خود یک وظیفه اساسی و بی بروبرگرد جنبش انقلابی کارگران و مردم شهرها و محلات و دانشگاه ها و مدارس و همه ی عرصه ها و بخش های دیگر جامعه است. برای آزادی همه ی اسرای زندانی و لغو احکام قتل و اعدام فرزندان خود بپا خیزیم!

حزب حکمتیست - خط رسمی
۱۷ دیماه ۱۴۰۱ - ۷ ژانویه ۲۰۲۳

آزادی

آزادی، یعنی رهایی کامل از قدرت و حاکمیت اقتصادی، سیاسی و فرهنگی سرمایه و سرمایه داری، یعنی رهایی از کلیه روابط، مناسبات و نهادهای اسارت آور و سرکوبگر جامعه بورژوازی، یعنی رهایی از چنگال بردگی مزدی، رهایی از انقیاد طبقاتی، رهایی از سرکوب ماشین دولتی بورژوازی رهایی از بی حقوقی سیاسی و انقیاد فرهنگی، رهایی از پیله مذهب و پندارها و قوانین و ارزش های خرافه آمیز و عقب مانده جامعه موجود، رهایی از ستم های مذهبی، قومی و جنسی، رهایی از فقر و فلاکت جهل و کل تبعیضات و مصائب جامعه بورژوازی.

این رویداد از طرف دیگر، از جمله برکاتی است که بنگاه های خبرسازی و چراغانی و «طاق نصرت بستن» های تبلیغاتی رسانه های راست افراطی با سرمایه های عظیم، چون تلویزیون ایران اینترنشنال، من و تو، و کیهان لندن و شعبات آنها، تولید کرده اند. تولیدی که بر متن یک واقعیت رو داده است. واقعیت وجود جمعیت میلیونی و وسیعی از معترضین متمدن، آزدیخواه و برابری طلب در خارج از کشور، که در غیاب ابراز وجود بزرگی از جانب چپ، توهم زده «حب تبلیغات» همه باهمی» و «فعلا وقت اختلاف تراشی نیست» این رسانه ها را خورده است. آقای پهلوی که در داخل ایران و جنبش آزدیخواهانه آن با اقبالی رویرو نشده است، ظاهرا به این حلاله در خارج کشور، امیدهای بسیار بسته است. به هر حال، آقای پهلوی هم پس از «این پا و آن پا کردن» ها، و تعارفات «دمکراتیک»، سرانجام به خوبی نشان داد که رهبر موقتی مناسبی، برای راست افراطی فاشیست ایران است. «موقتی»، چرا که در جنبش ناسیونال فاشیست ایران، در جنبش راست، در مقابل ارتجاع اسلامی با رهبرانی چون خمینی ها و خامنه ای ها و حسن نصرالله ها، باید رهبرانی به همان اندازه و از همان روز اول «بی تعارف» و «هار» و «گردن کلفت» و «قمه کش»، قدعلم و ابراز وجود کند. آقای پهلوی با «دمدمی مزاجی» تاریخی از یک طرف و «شرم» درونی از میراث خانوادگی که از پشت «زورق» و بسته بندی جدید «نئوپهلوسم» هم «رایحه» آن حتی مشام خودشان را می آزد، ماتریال مناسب و قابل اعتمادی برای رهبری بلند مدت راست افراطی و فاشیست ایران نیست.

ایشان، به همراه تمام اعضا خانواده، خانواده ای که رسما پشت به سرمایه سیاسی و میراث گذشته دارد، پاشنه آشیل و نقطه ضعف رهبری قطب راست ایران، در سیر سرنگونی جمهوری اسلامی است. راست ایران فاقد یک رهبری و سازمان قدرتمند خارج از جمهوری اسلامی ایران است. از این رو چشم امید و طمع به باندها و مافیای نظامی و مالی در درون جمهوری اسلامی ایران دارد.

راست ایران، علیرغم دستگاه تبلیغاتی گسترده، سرمایه های مالی کلان و لایسیم قوی، فاقد رهبری قدرتمندی است. برای ایفای این نقش، در درون باندهای سپاه و «نئوپهلوسم» و در صف فرسگردها و مجاهد، کاندیداها و اشتباهی کافی برای ایفای این نقش وجود دارد! البته اگر شرایط به آنها امکان دهد، که در حال حاضر انقلاب در جریان و توازن قوا، شانس همه آنها، برای ایفای چنین نقش هایی، برای عروج فرماندهان سپاه در نقش ژنرال سیسی، یا رجوی بعنوان «خمینی» ثانی و علیرضا کیانی ها و امیرحسین اعتمادی ها بعنوان «رضاشاه» دوم، را تماما کور کرده است.

واقعیت این است که بورژوازی و جنبش سیاسی آن، راست ناسیونالیست افراطی و فاشیست ایران، که چهل سال با عبا و عمامه و در لباس اسلامی «خدمتگذار» مردم بود تا ایران را به «قدرت اول منطقه» تبدیل کند، در اپوزیسیون «فوکول کراواتی» برای «خدمتگذاری» و رساندن دوباره ایران به «دروازه تمدن بزرگ»، در انقلاب سوم مردم در ایران، بی رهبر، بی سرمایه سیاسی - اجتماعی و بی بنیه است. اگر همه نورافکن های رنگارنگ تبلیغاتی را خاموش کنند، اگر چوب دستی های حمایتی باندهای قدرت های مخرب مالی و نظامی بین المللی را از آنها بگیرند، در زمین سفت تحولات انقلابی در ایران و در اپوزیسیون سرنگونی جمهوری اسلامی ایران، جثه بسیار کوچک تری از آن دارند که بتوان آن را با میکروسکوپ های قوی هم مشاهده کرد.

پذیرفته شدن رهبری موقتی آقای پهلوی توسط راست افراطی ایران، که تلاش میکند در جدال با قطب چپ در این انقلاب نقشی ایفا کند، آنها هم پس از «جفاکاری» های بسیار ایشان نسبت به سلطنت طلبان افراطی، نه از سر قدرت که از سر بی بضاعتی است. آقای پهلوی، نه میخواهد و نه قادر است در ایران پس از جمهوری اسلامی ایران به قدرت برسد. سیر عروج ایشان در مقام رهبر راست پادشاهی خواه افراطی گذشته پرست، در عین حال پروسه افول ستاره اقبال سیاسی و شخصی ایشان و سایر اعضا خانواده شان است. کسانی که با ولع بسیار سرشار از «ساده اندیشی» در حال چیدن ملکه و پرنسس ها و الاحضرتین خود، پشت و پشیمان این بازار تبلیغاتی است.

دولت های غربی و مردم جوامع متمدن در غرب، علیرغم مانورهای تبلیغاتی کانون ها و شخصیت های راست افراطی در آمریکا و اروپا و علیرغم کشیدن دست مرحمت بر سر گذشته و خاندان پهلوی، بازگشت سلطنت و پادشاهی در ایران را به سخره میگیرند. کسی، جز فضای تبلیغاتی رسانه هایی چون تلویزیون من و تو، ایران اینترنشنال و کیهان لندن، آن را جدی نمی گیرد. این مراسم چراغانی ها و فستیوال های اپوزیسیون راست در خارج کشور و صدور آن به

داخل ایران، گذرا است.

کسی کانون قدرت تغییر را، در لابلای این فستیوال ها و کارنوالها جستجو نمی کند. این چراغانی ها و تاج نصرت بستن ها، تنها مانع دیده شده قدرت مردمی در ایران است. قدرتی که رابطه جمهوری اسلامی با مردم را، تا امروز تعیین کرده است.

با این وجود، کالبدشکافی برخی از تندروری های این کمپ، لازم است. تا موجودیت واقعی و دوزنمای حرکت آنها را شفاف تر بیان کرد. تا با مخاطراتی که این مانور ها میتواند در سیر پیشروی این انقلاب ایجاد کند، مقابله کرد.

راست افراطی ایران و حزیت

تشکیل «حزب ایران نوین» دوم توسط فرسگردها، به رهبری رسمی و معنوی آقای پهلوی، آخرین میخ را به تابوت امکان بازگشت سلطنت زدا تشکیل این حزب، با مرانامه «جنگ سردی» و نسبت به نسخه «اورژنال»، کهنه تر و عقب مانده تر، هر انسان متوهم و خام اندیش را نسبت به امکان سوئد و دانمارک شدن سلطنت در ایران، از حاشیه طیف «پادشاهی» خواهان به بیرون پرتاب کرد!

اما ماجرا حزب آقای پهلوی چی است!

هجدهم دی امسال، شبکه فرسگردها طی بیانیه ای از شروع فعالیت حزبی خود تحت نام «حزب ایران نوین» خبر داده است. به این ترتیب فرسگردها به «حزب ایران نوین» دگردیسی کرد! این نام و سازمان و تاریخ آن برای همگان که به اسناد تاریخی رجوع میکنند آشنا است.

«حزب ایران نوین» نسخه دوم هم، همچون نسخه اول، به رهبری «غیرسازمانی» و «غیررسمی» ولی «معنوی» آقای رضا پهلوی، تشکیل شد! همانطور که در زمان پدر، محمدرضا شاه، آن معجون ها، «حزب ایران نوین» و «رستاخیز» نام حزب برخود گذاشته بودند، فرسگردها هم معجون دست ساز خود را، حزب اعلام کرد.

یعنی یک سازمان عقب مانده، غیرمدرن، و غیرمتمدن، با رهبری «ماورا حزبی» و «ماورا سازمانی»، متکی به امر و نهی فردی، چون فرقه، سکت و گروه های مذهبی، اعلام موجودیت کرد! تا اعضا آن همچون رعایا در مقابل همه اوامر «ملوکانه»، شغل شان تنها تعظیم کردن باشد.

مهمترین رکن فعالیت سیاسی این سکت، «تمامیت ارضی» و «چپ ستیزی» است. به همان سیاق پیامبرشان رضا شاه و محمد رضاشاه و جمهوری اسلامی ایران! یعنی اعلام آمادگی ارتش و سپاه «انقلاب ایرانی» به جای سپاه «انقلاب اسلامی»، برای سرکوب هر صدای اعتراضی از آذربایجان و کردستان و خوزستان و سیستان و بلوچستان به بهانه «تجزیه طلبی»، و فرمان قتل عام چپ و کارگر معترض و هر مخالف پادشاهی. یعنی تصویب قوانینی است چون «در این مملکت کمونیسم ممنوع» و «داشتن عقاید مارکسیستی اعدام دارد» است! همانگونه که اقباب شان در حکومت پهلوی و جمهوری اسلامی عمل کردند! به این اشتباهی ممنوعه، باز خواهیم گشت!

اما در استقبال از بازگشت به گذشته، نگاهی به پشت سر و تاریخ، گویای نقشه عمل نسخه دوم «حزب ایران نوین» است.

پنجاه سال قبل، جنبش ارتجاع اسلامی از اعماق تاریخ کربلا، حسین و حکومت «عدل علی» را برای «نجات ایران» «احیا» کرد تا برای مردم ایران، عاشورا و جهنم روی زمین، بسازد! که ساخت! و درحال حاضر هشتاد میلیون مردم ایران، آن جهنم را محیط زیست سازندگانش در قدرت کرده اند.

پنجاه سال بعد، فاشیسم ایرانی میخواهد «حزب ایران نوین» و «رستاخیز» را از گورستان تاریخ ۵۰ - ۶۰ سال گذشته بیرون بکشد و آن را زنده کند! تا به همان سیاق اورژنال گذشته «ایران را نجات» دهد و به سرمنزل «تمدن بزرگ» برساند! همان «تمدن بزرگی» که فشار اختناق و بی حقوقی و بی حرمتی شهروند جامعه متمدن و مدرن، آن را چون آتشفشان منفجر کرد. تا باهم مردم را در مقابل «هرچه غیر از شاه» به «هرچه غیر از حکومت آخوندی» به رضایت بکشاند. اما آن گذشته چه بود و چرا گذاشتن این کلاه بر سر جامعه ایران، گشاد تر از آن است که برسر قرار گیرد.

«حزب ایران نوین» اورژنال، یکی از دو حزب دولتی در دوره سلسله پهلوی بود. این حزب در سال ۱۳۴۲، تأسیس شد. در حالیکه احزاب غیردولتی، اساسا موجودیت خارجی نداشتند. همگی یا توسط رضا شاه یا محمد رضا شاه، ممنوع فعالیت شده بودند.

این حزب پس از حدود ۱۰ سال موجودیت، توسط شاه منحل شد! به این ترتیب که؛ ۱۱ اسفند ۱۳۵۳، حزب رستاخیز ملت ایران معروف به «حزب رستاخیز» به عنوان تنها حزب واحد فراگیر، به دستور محمدرضا شاه تشکیل شد! ←

«حزب ایران نوین» اورژینال، که تا تأسیس نظام تک حزبی، بیش از یک دهه در فضای خالی از فعالیت‌های حزبی به حیات خود ادامه داد، به فرمان محمدرضا شاه، منحل و همگی اعضا آن به حزب رستاخیز ملت ایران معروف به «حزب رستاخیز» پیوستند. در شرایطی که همه کارکنان دولتی و هرکس که قصد رشد متعارف در جامعه را داشت، موظف بود عضو حزب رستاخیز شود. تا جایی که محمدرضا شاه به هرکس که دلش با او و قانون جدیدش نیست را «در خروج از کشور» را نشان داد! این سرنوشت حزب و حزب سازی و فعالیت احزاب در «مهد تمدن» پهلویسم بود!

فرشگرد کوه فکر تر از آن است که تصور میکند که با الگوبرداری از گذشته به تاریخ سپری شده، ارتجاع شاهی را می‌تواند جایگزین ارتجاع اسلامی کند! راست افراطی ایران تاریخا فاقد توان ساختن هیچ حزب متوسطی، منطبق با معیارهای جهان متمدن امروزی است! جنبش تحزب، حزب و حزبیت، راست و چپ، از مشروطه به بعد توسط پادشاهان، سرکوب شده است. «راست دمکرات» رهبری را به راست فاشیست عظمت طلب رضاشاهی و محمد رضا شاهی و بدنبال آن به «ناسیونال فاشیسم اسلامی» به رهبری خمینی، تحویل داد و شکست خورد!

انقلاب ۵۷ نقطه پایانی بر ابراز وجود راست، بعنوان یک جنبش اجتماعی و متحزب بود. از بختیار و جبهه ملی و تسلیم شدن در تلاش برای حفظ نظام پادشاهی، تا «نهضت آزادی» و بازرگان و سحابی و فروهر که به ارتجاع اسلامی در قدرت پیوستند، روند شکست کامل راست میانه ایران و تسلیم آن به راست افراطی، چه سلطنتی و چه اسلامی است.

احزاب راست میانه ای که در هر دو نظام، تنها از میزان کم سهم شان در قدرت شاه یا خمینی، شاکتی بودند. از تسلیم شدن محمدرضا شاه، نه تنها در مقابل انقلاب مردم، که در مقابل رقیب خود در جنبش راست، یعنی ارتجاع اسلامی، تا تسلیم شدن ارتش و ساواک و پذیرش رهبری خمینی و به خدمت او درآمدن همه نهادهای قدرت پادشاهی محمدرضا شاه، همه و همه سیر شکست و اضمحلال جناح غیراسلامی و میانه جنبش راست، در ایران است.

کاپیتالیسم ایران، محمد رضا شاه را با خمینی عوض کرد و طبقه و جنبشی که این عناصر آن را نمایندگی می کردند، را هم از پشت این به پشت آن دیگری برد. اینکه امثال فرشگرد و راست افراطی سرمایه ای جز بازگشت به گذشته و تغییر تاریخ را ندارد، نه از محاسن گذشته که از بی سرمایه گی و بی بنیه گی امروزشان است که آلترناتیوی جز محمدرضا شاه یا خمینی ندارند! بورژوازی ایران، فاقد ظرفیت لیبرال بودن و شکل دادن به جنبش لیبرالیسم با احزاب و شخصیت‌های لیبرال است.

جنبش چپ، با تمام شاخه ها و ورسیون های «خوب و بد» اما، در هر دو نظام نه شکست خورد و نه تسلیم شد و نه تحت تاثیر پروپاگاندا و نمایشات امروز راست، صحنه را خالی خواهد کرد! چرا که جامعه همواره عدالتخواهی و آزادیخواهی را با چپ تداومی کرده و آنرا در آغوش خود میگیرد. از دانشگاهها، محیط های اعتراض کارگری تا کردستان و زندانها و محل های کار و زندگی، تاریخی از مقاومت در مقابل هردو ارتجاع، پادشاهی و اسلامی، دارد که هنوز هم زنده است.

چپ کارگری کمونیستی که اساسا امکان تسلیم نداشت و ندارد! همانطور که طبقه اش برای بقا زیر خط تولید و ماشین کمر شکن استثمار، ناچار است برای آزادی و رفاه و زندگی انسانی، تا رهایی کامل، مبارزه کند. همانطور که در سراسر ایران جوانی که تجربه سرکوب و قتل عام های پی در پی نسل های قبلی را ندارد، بلند پرواز، آزادیخواه و برابری طلب است، نه تسلیم اعراب قدرت حاکم میشود و نه «بی آلترناتیو» نیازمند بیرون کشیدن لاشه گندیده تاریخ فعالیت های ساواک و «پرویز ثابتی ها» از اعماق تاریخ است.

این واقعیت است که جامعه، به فرشگرد و به موجودیت «حزب ایران نوین» دوم با بی اعتنائی و بعنوان «جوک» می نگرد. تاریخ و همگی ما میدانیم که راست افراطی و حتی میانه در ایران قادر به ساختن حزب و سازمان مدرن و مترقی نیست. همچون سنت ارتجاع اسلامی، لشکر پراکنده ای از «ایات عظام» دارد، که هریک مقلدین خود را یدک میکشد. تا این بار بدون عبا و عمامه، و در هموایی و هماهنگی باهم، و گاه با دست و پای هم را لگد کردن و رقابت و مسابقه برای ایستادن بر سکو های اول کارناوال های تبلیغاتی، قدرت نمایی کنند و توان خود را به نمایش بگذارند. این ها حزب نمی سازند! قادر به ساختن حزبی مدرن نیستند! جامعه هم اینرا میداند.

این بازار پروپاگاندا تلویزیونی و نمایشی، بسرعت سپری خواهد شد! مردم در ایران، مشغول ساختن سازمانها، شوراها، مجامع عمومی، انجمن ها و نهادهای مدرن و متمدن خود، برای ایفای نقش هستند! در این سیر فرشگرد و «حزب ایران نوین» دوم، نه حزب و سازمان که چون مجاهد، باند مخرب سیاسی است که باید آن را افشا و منزوی کرد.

چپ و چپ گرایی در ایران

راست ایران، بعنوان یک جنبش و تحرک مستقل، راست بعنوان جنبش سیاسی بورژوازی، اگر بخواهد پا از میدان ادعا به عمل بگذارد، نه دمکرات است نه آزادیخواه! از خمینی و خلخاللی و خامنه ای تا رضاشاه و محمد رضا شاه، همگی میراث باند فرشگرد است. با همان سیمای لمپن و قداره بند اعقاب خود. هرچند که در شباهت فرهنگ و سنت «مبارزه سیاسی» این دو رقیب، دلایل ریشه ای تری عمل میکنند.

آقای پهلوی بهتر است لگام حزب و شمشیرزنان و «جاوید شاه» گویانشان را، بکشد و آنها را مهار کند! چپ ستیزی و کمونیسم ستیزی در جامعه ایران، بی پاسخ نمانده و نمی ماند! نه تنها در ادبیات و شعور جامعه ایران، در انقلاب سوم زنانه و کارگری و چپ ایران، بی پاسخ نخواهد ماند! همانگونه که کردستان سرخ پاسخ «حکم جهاد» خمینی و حمله به «کفار کمونیست» در کردستان را داد، ده سال با جمهوری اسلامی ایران مبارزه مسلحانه کرد و امروز بی ریشه گی جمهوری اسلامی حاصل آن مقاومت و قدرت است! همانطور که طبقه کارگر ایران به قدرت خود اعتصاب و اعتراض را مجاز کرد و به قدرت شورایی خود رجوع کرد، شخصت های مقاوم و رهبران شایسته ای چون «بخشی» ها و «شهابی» ها، «زبالی» ها و «قلیان» ها و «گامی» ها و دهها و دهها شخصت برجسته خود را به جامعه معرفی کرد! همانطور که دانشگاهها تاریخا کانون های چپ و مارکسیستی بوده است و در مقابل انقلاب فرهنگی با پرچم چپ ایستاد و «دب» ها و انجمن های مستقل و گروه های چپ و انقلابی را شکل داد، همانطور که دهها هزار فراری چپ و کمونیست در خارج از کشور برای چهار دهه تنور مبارزه علیه جمهوری اسلامی ایران در خارج کشور را گرم نگاه داشتند و در کنفرانس برلین پرونده اصلاح طلبان را زیر بغل شان دادند! همانگونه که در اوین محمد رضا شاه، و در اوین و قزل حصار و دهها و دهها زندان مخوف جمهوری اسلامی با یکی از مخوف ترین دستگاههای فاشیستی قرن، دست و پنجه نرم کردند، دهها هزار قربانی دادند، هزاران نفر مقاومت و ایستادگی کردند و نه تنها تسلیم نشدند که هر سنگر مقاومتی را به سکوی تعرض تبدیل کردند. تردید نداشته باشید که این چپ، با این ریشه و جایگاه، این فستیوال رنگارنگ چپ ستیزانه تبلیغاتی را به زمستان سختی برایتان تبدیل خواهد کرد!

زمستانی که، نه تنها برای چپ ها و سوسیالیست ها و کمونیست ها معادله را تغییر خواهد داد، که برای هر انسان آزادیخواه و برابری طلبی که حاضر نیست زیر پرچم «هرچه بهتر از حکومت آخوندی» برود، تغییر خواهد داد. برای هزاران نفری که متوهمانه تلاش میکنند تلخی معجون چپ چون فرشگرد را با خروارها شکر به زور تحمل کنند و گاه مرعوب کف چرانی ها و قمه کشی ها و عربده کشی هایشان در صف اعتراضات مردم در ایران و در خارج از کشور می شوند، سنگر چپ و چپ گرایی، سوسیالیسم و کمونیسم کارگری، تنها و تنها سنگر مقاومت است. این تنها سنگری است برای پایان دادن به این کارناوال تبلیغاتی «ضدانقلاب سوم» و برای منطبق کردن صحنه، با آنچه که آرمانهای این انقلاب «زن زندگی آزادی» میخواست. تنها سنگری است برای منطبق کردن صحنه با جنبش آزادی و برابری برای همگان و در سرتاسر ایران! سنگری که درعین حال تاریخا سکوی تعرض های بزرگ و پیروزی های بزرگ بوده است. چپ ایران هم میخواهد، هم میداند، و هم تجربه عقب زدن هردو ارتجاع، پادشاهی و اسلامی در سراسر ایران را دارد. بهتر است ترمزهایتان را چک کنید! به سوی دره عمیقی فرمان را چرخانده اید!

زنده باد انقلاب کارگری!

hekmatist.com

یک دنیای بهتر

برنامه حزب حکمتیست را بخوانید!

تماس با حزب



@Hekmatistx

دبیرخانه حزب

dabirxane@hekmatist.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

دبیر کمیته رهبری: خالد حاج محمدی

khaled.hajmohamadi@gmail.com

تشکیلات خارج کشور حزب: آسو فتوحی

aso.fotuhi@gmail.com

دفتر کردستان حزب: سهند حسینی

sahand.sabet@gmail.com

مسئول تبلیغات: فواد عبداللہی

fuaduk@gmail.com

حکمتیست هفتگی

سر دبیر: فواد عبداللہی

صدای آزادی، صدای برابری



نیانا

پخش برنامه های نیانا
از کانال یک

برنامه های نیانا هر سه شنبه راس ساعت
۵:۳۰ بعد از ظهر به وقت تهران در
شبکه تلویزیونی کانال یک پخش میشود.

مشخصات ماهواره:

Yahsat w1A

27500 عمودی 12073

Eutelsat W3A

22000 افقی 10721

نیانا را در شبکه های اجتماعی زیر دنبال کنید:

سایت نیانا

radioneena.com

ساوند کلود

soundcloud.com/radio-neena

اینستاگرام

instagram.com/radioneena

تلگرام

https://t.me/RadioNeenna

فیسبوک

facebook.com/radioneena